

تقديم به روح يز فخور حضرت امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام

از سوی شریف ترین و مهربان ترین هایی که می شناسم
پدرم و مادرم

ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی (۵۸۶-۶۵۶ ه.ق)

غلامرضا لایقی

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، ۵۸۶ - ۶۵۵ ق.
ترجمه شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید معتزلی / غلامرضا لایقی.
تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۲.

شابک ج ۱۱: ۷-۷۳۹-۳۳۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره: ۶-۵۳۸-۳۳۷-۹۶۴-۹۷۸

با همکاری نشر اطلاع.

نهج‌البلاغه، فارسی، شرح.

علی ابن ابیطالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت. خطبه‌ها، نامه‌ها، کلمات قصار.

علی ابن ابیطالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت. نهج‌البلاغه، نقد و تفسیر.

لایقی، غلامرضا، ۱۴۱، مترجم.

۱۳۸۷ الف/۴۲۲ / ۲۸ BP

۹۵۱۵ / ۲۹۷

۱۵۱۲۷۴۶

۱۱

ترجمه شرح نهج‌البلاغه

ابن ابی‌الحدید معتزلی

غلامرضا لایقی

کتاب نیستان

چاپ اول ۱۳۹۲ ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۷-۷۳۹-۳۳۷-۹۶۴-۹۷۸

لیتوگرافی: گرافیک گستر

چاپ و صحافی: کانون‌چاپ

تلفن: ۵-۲۲۶۱۲۴۴۳

۱۶۰۰۰ تومان جلد نرم

۱۸۵۰۰ تومان جلد سخت

www.neyestanbook.com

کتابستان

فهرست خطبه‌ها و آن چه بر مجرای خطبه بیان شده

- ۹ (۱۹۶) و از سخنان اوست علیه السلام در مجاز بودن خانه دنیا
- ۱۱ (۱۹۷) و از سخنان اوست علیه السلام که بسیار بدان اصحاب خویش را ندا می‌کرد.
- ۱۳ (۱۹۸) و از سخنان اوست علیه السلام که به طلحه و زبیر پس از بیعت بر خلافت با او گفته، چون او را به سبب ترک مشاوره با ایشان و یاری جستن در امور از ایشان، مورد نکوهش قرار دادند.
- ۲۶ (۱۹۹) و از سخنان اوست علیه السلام چون شنید که گروهی از یارانش، در جنگ‌شان در صفین سامیان را دشنام می‌دهند.
- ۲۹ (۲۰۰) و از سخنان اوست علیه السلام در یکی از روزهای صفین چون دید که فرزندش حسن علیه السلام به سوی جنگ می‌شتابد.
- ۳۲ (۲۰۱) و از سخنان اوست علیه السلام که چون یارانش در امر حکمیت درباره او دچار اضطراب شدند، آن را گفت.
- ۳۵ (۲۰۲) و از سخنان اوست علیه السلام در عصره، هنگامی که بر علاء بن زیاد حارثی که از جمله یارانش بود داخل شد تا عیادتش کند، پس چون وسعت خانه‌اش را دید، گفت.
- ۴۰ (۲۰۳) و از سخنان اوست علیه السلام در حالی که پرسشگری درباره احادیث بدعت و از خبرهای مختلفی که در دستان مردم است از او پرسش کرد.
- ۵۱ (۲۰۴) و قسمتی از خطبه اوست علیه السلام در تمجید خداوند و وصف آفرینش زمین.
- ۵۹ (۲۰۵) و قسمتی از خطبه اوست علیه السلام درباره آن که از خیرخواهی روی گردانید و از یاری خداوند عقب نشست.
- ۶۱ (۲۰۶) و قسمتی از خطبه اوست علیه السلام در تمجید و بزرگداشت خداوند.
- ۶۴ (۲۰۷) و قسمتی از خطبه اوست علیه السلام در یاد کردی از پیامبر علیه السلام.

- ۸۱ (۲۰۸) و از جمله دعا‌های اوست که فراوان بدان می‌خواند.
- ۸۵ (۲۰۹) و قسمتی از خطبه اوست علیه السلام که در صفین ایراد کرد.
- ۹۶ (۲۱۰) و از سخنان اوست علیه السلام در پاسخ مردی از یارانش که او را با سخنانی بلند که در آن فراوان ستودش و نیوشیدنش و اطاعتش را نسبت بدو یادآور گشت، او علیه السلام را اجابت کرد.
- ۱۰۳ (۲۱۱) و قسمتی از سخنان اوست علیه السلام که در آن از کار قریش با خویش گلايه می‌کند.
- ۱۱۴ (۲۱۲) و از سخنان اوست علیه السلام در ذکر حرکت‌کنندگان به سوی بصره برای جنگ همراه او.
- ۱۱۶ (۲۱۳) و از سخنان اوست علیه السلام چون بر طلحة بن عبیدالله و عبدالرحمن بن عتاب بن اسید که در روز جمل کشته شده بودند، گذشت
- ۱۲۰ (۲۱۴) و از سخنان اوست علیه السلام که در آن احوال پرهیزگاری شناسا به خدا را وصف می‌کند.
- ۱۳۴ (۲۱۵) و از سخنان اوست علیه السلام که در آن یاران خویش را به جهاد بر می‌انگیزد.
- ۱۳۷ (۲۱۶) و از سخنان اوست علیه السلام که بعد از تلاوت: "الهاکم التکائر، حتی زرتم المقابر" گفته است.
- ۱۶۶ (۲۱۷) و از سخنان اوست علیه السلام که هنگام تلاوت: "یسبح له فیها بالغدو و الآصال رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله"، گفته است.
- ۲۲۱ (۲۱۸) و از سخنان اوست علیه السلام که هنگام تلاوت: "یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم"، گفته است.
- ۲۲۷ (۲۱۹) و از سخنان اوست علیه السلام در هراس از ستم و بری دانستن خویشان از آن و بیان کوچکی دنیا در نظرش.
- ۲۳۵ (۲۲۰) و قسمتی از دعای اوست علیه السلام.
- ۲۳۷ (۲۲۱) و قسمتی از خطبه اوست علیه السلام در نکوهش دنیا و وصف ساکنان قبرها.
- ۲۴۷ (۲۲۲) و قسمتی از دعای اوست علیه السلام.

فهرست موضوعات

- از اخبار طلحه و زبیر ۱۶
- ذکر برخی مقامات عارفان و زاهدان ۳۷
- ذکر بخشی از احوال منافقان پس از وفات محمد علیه السلام ۴۲
- ذکر برخی از آزارها و زورها که اهل بیت بدان مبتلا شدند ۴۴
- فصلی درباره احادیثی که شیعه و بکریه وضع کردند ۴۹
- ذکر برخی خردگیری‌ها در نسب و سخن جاحظ در این باره ۶۶
- ذکر برخی از احوال عارفان و اولیاء ۷۰
- فصلی در آثاری که درباره اصلاح حکومت وارد آمده است ۸۹
- آثار وارد شده درباره عدل و انصاف ۹۳
- فصلی در این که اگر جعفر و حمزه زنده بودند، با علی بیعت می‌کردند ۱۰۸
- عبدالرحمن بن عتاب بن اسید ۱۱۶
- بنی جُمَح ۱۱۷
- فصلی در مجاهده نفوس و آثاری که درباره آن وارد شده ۱۲۰
- فصلی در ریاضت نفس و اقسام آن ۱۲۶
- فصلی در تاثیر گرسنگی در صفای نفس ۱۲۸
- سخنی از فلاسفه و حکما در مکاشفات حاصل از ریاضت ۱۲۸
- برخی اشعار و حکایات در وصف قبرها و مردگان ۱۴۶
- آوردن اشعار و حکایاتی در وصف مرگ و احوال مردگان ۱۵۷
- بیان احوال عارفان ۱۷۰
- پاره‌ای از اخبار عقیل بن ابی طالب ۲۳۱
- ذکر برخی آثار و اشعار وارد شده در نکوهش دنیا ۲۳۸
- ادعیه فصیح از کلام ابو حیان توحیدی ۲۴۸

بسم الله الرحمن الرحيم
سیاس و ستایش خداوند یکتای عدل راست

(۱۹۶)

اصل :

و از سخنان اوست علیه السلام:
أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَجَازٌ، وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ، وَلَا تَهْنِكُوا أَسْثَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ، وَخُرُجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ، فَفِيهَا اخْتَبِرْتُمْ، وَلِغَيْرِهَا خُلِقْتُمْ.
إِنَّ الْمَرْءَ إِذَا هَلَكَ قَالَ النَّاسُ: مَا تَرَكَ! وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: مَا قَدَّمَ! اللَّهُ أَبَاؤُكُمْ! فَقَدَّمُوا بَعْضًا يَكُنْ لَكُمْ، وَلَا تَخْلَفُوا كُلًّا فَيَكُونَ قَرْضًا عَلَيْكُمْ.

شرح:

ابوالعباس محمد بن یزید میرد در الکامل^۱ از اصمعی ذکر کرد، گفت: عربی بیابانگرد برای ما خطبه خواند، پس سیاس و ستایش خداوند به جای آورد و از او طلب آمرزش کرد، و او را یگانه شمرد، و بر پیامبرش صلی الله علیه و سلم درود فرستاد، پس در ایجاز مبالغه نمود، آنگاه گفت: ای مردم؛ همانا دنیا دار رسیدن و آخرت دار آرامیدن است، پس از جای گذر خویش برای جای ماندن خویش بگیرید، و پرده‌های خویش را نزد آن که اسرارشان بر او پنهان نیست، مدیریت. در دنیا بید شما در حالی که برای غیر آن آفریده گشتید. این سخن خویش گویم و برای خویش و شما از خداوند آمرزش طلبم، و بر رسول خدا

۱. الکامل ۱۰۸:۴ طبعه نهضة مصر

درود فرستم و نیز برمدعوله خلیفه^۱ و امیر جعفر بن سلیمان.
و غیر او زیادتی را که در کلام امیرمؤمنان علیه السلام است، برای آن عرب ذکر کردند،
و آن این است: "ان المرء اذا هلك ..."، تا آخر کلام.
و اکثر مردم برآنند که این کلام از امیر مومنان علیه السلام است.
و ممکن است آن عرب بادیه نشین آن را از بر کرده و آورده چنان که مردم کلام
دیگران را می‌آوردند.



سخن او علیه السلام: "دار مجاز"، یعنی از آن به سوی آخرت عبور داده می‌شوند، و
از همین رو سخن مجاز، مجاز نامیده شده، زیرا گوینده از حقیقت به سوی غیر آن عبور
کرده، چنان که انسان از جایی به سوی جای دیگر عبور می‌کند.
و دار القرار: خانه ماندن که نهایی ندارد.
فخذوا عن ممرکم: یعنی از دنیا ممرکم؛ و آن آخرت است.
سخن او علیه السلام: "قال الناس ما ترک!"، مرادش آن است که بنی آدم به [دنیای]
عاجل مشغولند و به غیر آن نمی‌اندیشند، و جز درباره آن پرسش نمی‌کنند، پس چون یکی
از ایشان هلاک شود، سخن‌شان به یکدیگر این است: فلانی چه اموالی بر جای گذاشت؟ و
چه فرزندانی بر جای خویش گذارد؟ و اما فرشتگان، آخرت را می‌شناسند، و شهوات دنیا
ایشان را نمی‌لغزاند، و تنها به ذکر و تسبیح اشتغال دارند، پس چون انسانی هلاک گردد،
گویند: چه پیش فرستاد؟ یعنی چه اعمالی پیش فرستاد؟
سپس امرشان فرمود علیه السلام، که بخشی از اموال خویش را صدقه دهند، که
برایشان باقی بماند، و نهی‌شان کرد از این که جمله اموال خویش را بعد از مرگ بر جای
گذارند، تا در آخرت و بآلی برای‌شان باشد.

۱. مرادش ابا جعفر منصور بوده است: او پسر عموی جعفر بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس را در سال یکصد و چهل و شش بر مدینه گماشت.